

به گزارش معاونت پژوهش مدرسه علمیه تخصصی الزهرا سلام الله علیها گرگان یازدهمین پیش نشست علمی همایش اجتهاد پویا و حقوق اجتماعی زنان با عنوان « مقاصد شریعت و اجتهاد پویا: ظرفیت ها و چالش ها در استنباط حقوق اجتماعی زنان » با همکاری مرکز مطالعات پژوهشی فقه معاصر در تاریخ ۲۹ شهریور ماه به صورت آنلاین برگزار شد.

در این پیش نشست دکتر مهدی شوشتری دانشیار فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی بر ضرورت گذار از رویکردهای جمودمحور به سوی اجتهاد مقاصدی تأکید کرد. و بر این نکته تمرکز کرد که برای پاسخ به مسائل مستحدثه حقوقی زنان، باید میان ثبات اصول دینی و پویایی متغیرهای اجتماعی، تعادلی ضابطه‌مند برقرار کرد.

وی در نخستین بخش از مباحث این نشست، بر ضرورت بازنگری در چارچوب‌های روش‌شناختی فقهی برای مواجهه با مسائل نوظهور حقوق اجتماعی زنان تأکید کرد. و گفت نیاز به یک مدل استنباطی جدید که بتواند میان «ثبات نص» و «تغییرات زمان و مکان» پیوند برقرار کند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

هدف اصلی این رویکرد، ارائه یک چارچوب نظری برای حل مسائل مستحدثه بود؛ به گونه‌ای که بتوان از آفت‌های دوگانه «جمود بر ظاهر» و «مصلحت‌گرایی بی‌ضابطه» پیشگیری کرد. در واقع، تلاش بر این است که استنباط حقوقی، نه در دام نص‌پسندی محض گرفتار شود و نه به سمت استحسان‌گرایی فاقد ضابطه سوق پیدا کند.

استاد این نشست، مفهوم «اجتهاد پویا» را به عنوان موتور محرک استنباط معرفی کرد. بر اساس مبانی مطرح شده، اجتهاد پویا نباید به معنای بازخوانی بی‌هدف باشد، بلکه باید با تکیه بر متغیرهای محیطی، به موضوع‌شناسی دقیق و بازخوانی علمی ادله بپردازد تا پاسخ‌های فقهی با واقعیت‌های اجتماعی زنان همخوانی داشته باشد.

دانشیار فقه و مبانی حقوق، در کنار اجتهاد، «مقاصد شریعت» را به عنوان افق راهبردی و نبض اصلی استنباط معرفی کرد و تأکید کرد که مقاصد نباید صرفاً یک مفهوم انتزاعی باشند، بلکه باید در چهار سطح «فهم»، «حل تراحم»، «ارزیابی» و «استنباط» به کار گرفته شوند تا بتوان از تقسیم‌بندی‌های اصیل (مانند ضروریات، حاجیات و لوازم ضروری زندگی و تحسینات) برای تبیین حقوق زنان بهره برد.

تحلیل جریانات فکری در مواجهه با مقاصد، یکی از محورهای مهم بحث بود. وی چهار جریان اصلی را شناسایی کرد: جریان «نص‌پسند» که با جمود بر ظاهر به مقاصد بی‌توجه است؛ جریان «رادیکال» که با عبور از فقه موجود، وجاهت شرعی خود را از دست می‌دهد؛ جریان «استحسان» که بر مصلحت‌های بی‌ضابطه تکیه می‌کند؛ و در نهایت جریان «اعتدالی».

جریان «اعتدالی» که به عنوان رویکرد مطلوب می‌باشد، بر پذیرش مقاصد شریعت و توجه به تحولات اجتماعی، در عین پابندی دقیق به ضوابط اصولی، تأکید دارد. این رویکرد تلاش می‌کند تا راه میان سنت و مدرنیته را با استفاده از ابزارهای علمی و اصولی باز کند.

وی در بخش مربوط به «حقوق اجتماعی زنان»، این حوزه را به عنوان عرصه‌ی عینی پژوهش بیان کرد. و گفت: امتیازات و حوزه‌های مشارکتی زنان در عرصه‌های عمومی، نیازمند یک نگاه مقاصدی است تا بتوان حقوق آنان را در چارچوب عدالت و مصلحت واقعی تبیین کرد.

وی گفت: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، یافتن تعادل میان «مقاصد کلی شریعت» و «نصوص جزئی» است. مشخص کردن این مرز که کجا مقاصد باید راهگشای استنباط باشند و کجا نباید از نص تجاوز شوند، از دشوارترین وظایف فقیهان معاصر است. چالش دیگر، ضرورت «ضابطه‌مند کردن استنباط» برای جلوگیری از سلیقه‌گرایی شخصی است. وی گفت: بدون داشتن شاخص‌های دقیق، ممکن است مصلحت‌های عرفی یا شخصی با «مقاصد واقعی شریعت» خلط شود که این امر می‌تواند اعتبار استنباط‌های حقوقی را خدشه‌دار کند.

در پایان، این نشست ارائه‌کننده بحث نتیجه‌گیری کرد که برای تبیین حقوق اجتماعی زنان، نیازمند گذار از نگاه تک‌بعدی به نگاهی چندبعدی هستیم که در آن، اجتهاد پویا با تکیه بر مقاصد شریعت، بتواند پاسخ‌های منصفانه و مستدل به نیازهای مبرم دوران حاضر ارائه دهد.